

ایده‌الایسم المانی

گئورگ ویلهلم فردریش هگل

# منطق ینا

سیدحسین سجادی



انتشارات حکمت

تهران، ۱۳۹۸

۱۱	یادداشت دبیر مجموعه	۲۲۱
۱۵	پیش‌گفتار مترجم	۲۲۲
۲۴	منابع پیش‌گفتار مترجم	۲۵۱
۲۵	سیاس‌گذاری	۲۹۲
۲۷	یادداشت هریس در آغاز ترجمه انگلیسی	۷۹۱
۳۱	[I]. رابطه ساده	۵۷۱
۳۸	B. کمیت	۶۷۱
۳۸	a. واحد عددی	۶۷۱
۴۱	b. کثرت واحدهای عددی	۶۸۱
۴۳	c. عمومیت	۶۸۱
۴۴	[C]. مقدار	۶۸۱
۶۸	D. عدم تناهی	۶۸۱
۸۱	II. نسبت	
۸۳	A. نسبت هستی	
۸۴	AA. جوهریت = نسبت	
۸۹	BB. نسبت علیت	
۱۲۱	CC. فعلیت بخشی دو جانبه	
۱۳۶	B. نسبت اندیشه	
۱۳۸	A. مفهوم تعین یافته	

### فهرست

۱۱	یادداشت دبیر مجموعه	۲۲۱
۱۵	پیش‌گفتار مترجم	۲۲۲
۲۴	منابع پیش‌گفتار مترجم	۲۵۱
۲۵	سیاس‌گذاری	۲۹۲
۲۷	یادداشت هریس در آغاز ترجمه انگلیسی	۷۹۱
۳۱	[I]. رابطه ساده	۵۷۱
۳۸	B. کمیت	۶۷۱
۳۸	a. واحد عددی	۶۷۱
۴۱	b. کثرت واحدهای عددی	۶۸۱
۴۳	c. عمومیت	۶۸۱
۴۴	[C]. مقدار	۶۸۱
۶۸	D. عدم تناهی	۶۸۱
۸۱	II. نسبت	
۸۳	A. نسبت هستی	
۸۴	AA. جوهریت = نسبت	
۸۹	BB. نسبت علیت	
۱۲۱	CC. فعلیت بخشی دو جانبه	
۱۳۶	B. نسبت اندیشه	
۱۳۸	A. مفهوم تعین یافته	



۱۴۳	B. داوری
۱۴۶	a. برای خود بودن محمول و بازتاب موضوع در خویشتن خود
۱۵۳	β. برای خود بودن موضوع و تحقق محمول
۱۶۳	C. قیاس
۱۶۷	α. تحقق موضوع به مثابه تکین
۱۷۵	b. تحقق کلی
۱۷۹	III. تناسب
۱۷۹	a. تعریف
۱۸۳	b. بخش بندی
۱۸۷	c. فعل شناخت بر نهاده شده است
۲۱۱	واژه نامه فارسی - انگلیسی - آلمانی
۲۲۳	نمایه
۲۲	۲۲
۵۲	۵۲
۷۲	۷۲
۱۲	۱۲
۸۲	۸۲
۱۲	۱۲
۲۲	۲۲
۲۲	۲۲
۸۹	۸۹
۱۸	۱۸
۲۸	۲۸
۲۸	۲۸
۲۸	۲۸
۱۲۱	۱۲۱
۲۲۱	۲۲۱
۲۲۱	۲۲۱

**یادداشت دبیر مجموعه**

هگل در پدیدارشناسی روح و نیز در منطق از اصلی سخن به میان می آورد که برای خرد آومی آشنا و تا اندازه ای شناخته شده است. او می گوید: «آنچه آشنا است همواره شناخته شده نیست». این اصل درباره سنت ایده آلیسم آلمانی در ایران راست می آید. ما ایرانیان بیش از یک سده است که، به بهانه های بیشتر غیردانشگاهی و کمتر دانشگاهی، با این رویکرد فلسفی آشناییم. آشنایی البته سرآغاز شناختن است و از همین رو گامی ضروری در راه شناسایی است. ولی به نظر می رسد ماندن ما در گام آشنایی با این سنت اندکی به درازا کشیده شده است. اگر از دلایل دست دوم این ایستایی چشم پوشی کنیم، شاید بتوانیم دلیل ایستایی در این گام را ناآمادگی تاریخی برای درنگ نظری پیرامون مناسبت رئالیسم و ایده آلیسم بدانیم. به باور برخی، رئالیسم تاروپود نظروورزی و جهان بینی ما را تشکیل داده و هر عنصر فرهنگی دیگری همچون دیانت، سیاست، اخلاق، آموزش و پرورش، دستگاه ارزش گذاری اقتصادی، سازمان عواطف و احساسات فردی و اجتماعی ما را در خود فروبرده و به یاری خود گرفته است. به باور برخی دیگر، سویه های ایده آلیستی مهمی در تاریخ نظروورزی فلسفی ما دیده می شود. از سوی



اینکه اندیشه انسانی، برای آنکه راه را به خطا نرود، باید سیر مشخصی داشته باشد و از قواعد معینی پیروی کند، شاید بیش و پیش از همه علوم در ریاضیات شناخته شده باشد. ریاضیات، در صورت‌های اولیه آن، که تجربه‌های ابتدایی انسان از زمان و مکان به آن شکل می‌داد، چنان ساده بود که ریاضیدان می‌پنداشت راهنمایی در درون همه هست که به یاری آن می‌توان راه استدلال را پیمود، یا به خطاهای پیش‌آمده پی برد؛ وانگهی اگر هم در اندازه‌گیری‌ها و محاسبات خطایی بود، این خطاها از جنسی نبود که خطری را متوجه موجودیت انسان و جهان کند. اما وقتی اندیشه به سطحی رسید که از سرشت و سرنوشت بشر پرسش کند، خطا دیگر نه امری طبیعی، بلکه در برخی موارد پدیده‌ای خانمان‌برانداز و حتی تمدن‌برانداز به نظر می‌رسید.

**پیش‌گفتار مترجم**

در این گونه امور حیاتی و در هر مورد، جای این پرسش هست که آیا آنچه که درست می‌پنداریم به راستی درست است؟ آیا پرسش از عدالت، سعادت، سیاست و... پاسخ‌هایی درخوری یافته‌اند؟ و اگر نه، چگونه به پاسخ‌های درخور می‌توان رسید؟ این همان پرسش سقراطی معروف است، و شیوه‌ای که افلاطون در

پیش‌گفتار مترجم... این کتاب... سقراط... افلاطون... پرسش‌های اساسی... عدالت... سعادت... سیاست... درخور می‌توان رسید... این همان پرسش سقراطی معروف است... شیوه‌ای که افلاطون در